

The Realistic Anthropological Place of Women in Islam and Western Civilization from the Perspective of Imam Musa Sadr¹

Ali Ahmadpour²  Amin Fathi³ 

2. Associate professor, Department of Islamic Studies, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran (Corresponding Author).

Email: ali.ahmadpour@uma.ac.ir

3. Assistant professor, Department of Islamic Studies, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

Email: a_fathi@uma.ac.ir



Abstract

One of the most important issues in today's world is the place of women in the family and society. The issue of women in each school of thought is the result of worldview, epistemology, and anthropology of that school. In the western civilization and non-divine societies, the presented models for women are the result of materialist, humanist, and feminist thought that sees human as the key to everything and gives originality to his will and desire and considers women as tools. This article, which has been carried out through a descriptive-analytical and critical method, aims to examine and explain the views of Imam Musa Sadr on the real place of women in Islam and Western civilization. The findings and results suggest that Imam Musa Sadr believes in Arab civilization and schools of thought, women are considered as artistic paintings and all attention is paid to the

1. **Cite this Article:** Ahmadpour, A., & Fathi, A. (1403 AP). The Realistic Anthropological Place of Women in Islam and Western Civilization from the Perspective of Imam Musa Sadr, *Islam and Social Studies*, 11(44), pp 65-94. <https://doi.org/10.22081/JISS.2024.66800.2016>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 21/03/2023 ● **Revised:** 12/12/2023 ● **Accepted:** 06/02/2024 ● **Published online:** 01/06/2024

© The Authors



women's femininity, and the human aspect of women is denied or ignored, and women have been misused under the title of freedom. However, by honoring women, Islam has restored her human place and has forbidden individual and social oppression against her.

Keywords

The place of women in Islam, Imam Musa Sadr, Western civilization, humanism



جایگاه انسان‌شناختی واقع‌گرایانه زن در اسلام و

تمدن غرب از دیدگاه امام موسی صدر^۱

علی احمدپور^۲  امین فتحی^۳ 

۲. دانشیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول).

Email: ali.ahmadpour@uma.ac.ir

۳. استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

Email: a_fathi@uma.ac.ir



چکیده

جایگاه زن در خانواده و اجتماع، یکی از مهم‌ترین بحث‌ها در جهان امروز است. مسئله زن در هر مکتب فکری؛ محصول جهان‌بینی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی آن مکتب است. در تمدن غرب و جوامع غیرالهی، الگوهای ارائه‌شده برای زن، محصول تفکر مادی‌گرایانه، اومانستی و فمینیستی است که انسان را محور همه چیز می‌داند و اصالت را به اراده و خواست او می‌دهند و به زن نگاه ابزاری دارند. هدف از نگارش این مقاله که با روش توصیفی- تحلیلی و انتقادی انجام شده است، بررسی و تبیین آرای امام موسی صدر درباره جایگاه واقعی زنان در اسلام و تمدن غرب است. یافته‌ها و نتایج نشان داد که امام موسی صدر معتقد است که در تمدن و مکاتب غربی، زن به مثابه نگاره و تابلوی هنری انگاشته می‌شود و تمام توجه به وجه زنانگی زن است و بُعد انسانی زن انکار یا نادیده گرفته شده و از زن تحت عنوان آزادی سوءاستفاده شده است؛ اما دین اسلام با تکریم زن، جایگاه

۱. **استناد به این مقاله:** احمدپور، علی؛ فتحی، امین. (۱۴۰۳). جایگاه انسان‌شناختی واقع‌گرایانه زن در اسلام و

تمدن غرب از دیدگاه امام موسی صدر. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۱(۴۴)، صص ۶۵-۹۴.

<https://doi.org/10.22081/JISS.2024.66800.2016>

□ **نوع مقاله:** پژوهشی؛ **ناشر:** دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) © نویسندگان

□ **تاریخ دریافت:** ۱۴۰۲/۰۳/۳۱ • **تاریخ اصلاح:** ۱۴۰۲/۰۹/۲۰ • **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۲/۱۱/۱۷ • **تاریخ انتشار آنلاین:**

انسانی‌اش را به او بازگردانده و از ظلم و ستم فردی و اجتماعی علیه وی جلوگیری کرده است.

کلیدواژه‌ها

جایگاه زن، دین اسلام، امام موسی صدر، تمدن غرب، انسان‌گرایی.

مقدمه

در دنیای معاصر، با شکل‌گیری فرایند جهانی‌شدن و گسترش فرهنگی خاص در عرصه جهانی، نوعی همگونی فرهنگی را سبب شده و دیگر مؤلفه‌های فرهنگی را به چالش کشیده است. گرچه امروزه با سرعت جهانی‌شدن، فرایندهای هم‌گرایی و  در حال تحقق بوده و گسترش ارتباطات فرهنگی منجر به تعامل و تبادل فرهنگی‌ای می‌شود که هم سبب «تجانس فرهنگی» و هم باعث «آشفته‌نگی فرهنگی» است (صالحی امیری و کاووسی، ۱۳۹۱، ص ۵۶)؛ اما بر پایه استعمار مدرن که برای دستبرد به منافع دیگر کشورها، به جنگ نرم روی آورده و با تغییر سیاست‌ها، افکار و قلب‌ها را هدف قرار داده است، با بهره‌گیری از روش‌های نوین تبلیغاتی و سیطره بر کانون‌ها و سازمان‌های فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار، پدیده فرهنگ غالب یا فرهنگ مسلط^۱ را دامن زده است. فرهنگ مسلط با هدف قراردادن هویت ملی و قومی و اعتماد اجتماعی، موجبات گرایش به جهانی‌شدن فرهنگ، به‌ویژه در طبقات بالای اجتماعی می‌شود (اکبری و همکاران، ۱۳۹۲).

امروزه نهضت دفاع از حقوق زن در غرب بر پایه اصول مدرنیسم؛ یعنی فردگرایی، لذت‌گرایی و تساوی حقوق زن و مرد، شکل گرفته است؛ جریانی که زن را با شعار حقوق و آزادی، به صحنه آورده و وسیله‌ای برای هوسرانی قرار داده است. مبانی فکری فمینیسم برگرفته از مکاتب انسان‌مداری، جدایی دین از سیاست، لیبرالیسم^۲، لذت‌گرایی و نسیت‌گرایی است که با شعار خودبستگی عقلی و بی‌اعتنایی به حجیت وحی، نفی تمایزهای جنسیتی و برابری زنان با مردان، به میدان آمد؛ اما مکتب اسلام با حمایت از

۱. dominant culture

۲. liberalism

جایگاه و شخصیت انسانی زن، میان زن و مرد از نظر استعدادهای طبیعی، مسئولیت‌ها، نقش‌ها و حقوق، مشابهت قائل نشده و متناظر و مکمل هم می‌داند که با تدبیر حکیمانه الهی، دو مدار مختلف برای حرکت آن دو تنظیم کرده که ظرفیت‌های وجودی هر یک را متناسب با کارکردهای مورد انتظار مقرر نموده و میان تکوین و تشریح هماهنگی کامل برقرار ساخت تا از هویت خویش فاصله نگیرند. حقوق زن مطابق لوازمی است که به‌طور طبیعی در وجود او نهاده شده؛ در حالی که در تفسیر فمینیستی، از زن جهت بهره‌کشی به‌عنوان ابزار استفاده شده است (عسکری منفرد، ۱۴۰۱).

افکار و مبانی فکری صدر می‌تواند چراغ راه جامعه بشری باشد؛ زیرا از نظر وی، دین باید به‌صحنه زندگی وارد شده و در راستای اصلاح زندگی و کاهش آلام انسان نقش ایفا نماید. اما در عین حال هشدار می‌دهد که موسسات دینی برای مصونیت از خطر دسته‌بندی‌ها و فرقه‌گرایی و تعصب؛ در خدمت مردم باشند و با اجتهاد، بتوانند چگونگی پاسخ‌گویی به چالش‌های عصر حاضر را دریابند (صدر، ۱۳۹۹ الف، صص ۲۷ و ۴۷).

سنت‌های رایج اجتماعی و برداشت‌های نادرست از تعالیم برخی از ادیان، از عوامل نادیده‌گرفتن کرامت و منزلت زنان بوده است. با وجود تحولات دنیای معاصر، هنوز کرامت و حقوق زنان، یکی از مسائل چالش‌برانگیز است و اندیشمندان از منظرهای گوناگون به آن می‌پردازند. امروزه، اسلام‌شناسانی مانند: امام خمینی رحمته‌الله، علامه طباطبایی رحمته‌الله، شهید مطهری و شهید بهشتی و امام موسی صدر به‌طور جدی به این موضوع پرداخته‌اند. صدر یکی از اندیشمندان دینی است که هنوز دیدگاه‌های ایشان درباره چالش‌های جهان معاصر به خوبی شناخته و تبیین نشده است. یکی از مسائلی که در منظومه فکری صدر به‌طور ویژه مورد توجه قرار گرفته، مسائل زنان و منزلت آنان در دین است؛ به‌گونه‌ای که از نظر صدر، زنان یکی از ارکان اصلی تمدن اسلامی به‌شمار می‌روند. اما در فضای چالشی و فمینیستی حاکم بر دنیا، بررسی دقیق دیدگاه‌های واقع‌بینانه و حیانی درباره هویت، جایگاه واقعی و کرامت زن هم‌چنان یک ضرورت به‌شمار می‌رود.

بنابراین هدف از نگارش این مقاله، نقد جایگاه زن در تمدن غرب و تبیین موقعیت زن و اهمیت نهاد خانواده در اسلام، از نگاه صدر است. تبیین مبانی فکری صدر و مبانی حاکم بر انسان گرایی و فمینیستی در غرب، می تواند در آشکارشدن وجه تمایز نگاه دین و بشر غربی به جایگاه واقعی زن مؤثر باشد و مشخص شود که از منزلت و ابعاد واقعی مقام زن غفلت شده است.

۱. پیشینه پژوهش

پژوهش مستقلی در زمینه موضوع مقاله حاضر، به رشته تحریر درنیامده است؛ ولی با مراجعه به آثار و کتب امام موسی صدر، تنها کتابی که در این زمینه ترجمه شده است، زن و چالش های جامعه است. یا در آثار دیگر ایشان به صورت محدود و در قالب گفتگو و مصاحبه به برخی مسائل زنان پرداخته شده است. اما این پژوهش به مبانی و نگاه دینی صدر به منزلت زن و وجه تمایز آن از نگاه تمدن غربی به مقام زن پرداخته است.

۲. مبانی فکری انسان شناسی صدر

به مقتضای بحث به چهار مورد از مهم ترین مبانی فکری صدر اشاره می گردد:

۲-۱. اصل کرامت ذاتی انسان

یکی از مهم ترین مبانی فکری امام موسی صدر، پرداختن به کرامت ذاتی انسان است. از دیدگاه وی اساسی ترین مسئله در تربیت انسان، هدایت او به راهی است که کرامت خود را درک نماید. و گرنه، شاید هرگز تلاش و همتی برای اصلاح وضع خویش نداشتند. آگاهی و فهم انسان از کرامت و ارزش خود، جایگاه واقعی و شایسته او را تعیین کرده و اهداف متعالی آدمی ترسیم می شود (صدر، ۱۳۹۴، ص ۷۲).

از دیدگاه صدر، در وضع قوانین و تشریح احکام اسلام، بر اصل کرامت انسانی، استناد و تأکید شده و آن را پایه انسانیت انسان قرار داده است (صدر، ۱۳۹۴، ص ۸۰). به

همین خاطر، آزار و اذیت انسان یا چیزی که کرامت انسانی را خدشه‌دار کند، مذموم است. و فرقی بین مسلمان و مسیحی نبوده و کرامت و عدالت، اصلی همگانی است (صدر، ۱۳۹۱، ص ۲۶).

بنابراین، آموزه‌های دینی مبتنی بر تعالیمی است که در جهت هماهنگی و تناسب میان همه جوانب و ابعاد وجود انسان و طغیان نکردن یک بُعد بر سایر ابعاد بنا شده است. نمونه واضحش حرمت و کرامتی است که به شأن و مقام زن قائل است و توصیه می‌کند که بُعد زن بودن بر سایر ابعاد وجودی او طغیان نکنند. برای چنین هدفی، زن از خودآرایی و عشوه‌گری در جامعه منع شده است (صدر، ۱۳۹۴، ص ۹۸).

بنابراین وقتی که زن حضور اجتماعی دارد باید نگاه‌ها و ارتباط‌ها به او فراجنسیتی باشد و در بیرون از خانه در نقش انسانی با کفایت ظاهر شود؛ چرا که هرچند با استعداد و با فضیلت هم باشد، اگر اعضای زینت خود را نپوشاند و وضع تحریک‌کننده‌ای داشته باشد، ممکن است در اولین برخورد با نامحرم به‌جای قابلیت‌هایش، جذابیت‌هایش مورد توجه قرار گیرد (صدر، ۱۳۹۹، ص ۷۶).

۲-۲. اصل آزادی انسان

صدر از آزادی به‌عنوان محور اساسی و مؤثر در عملکرد جامعه انسانی، یاد می‌کند و قائل است آزادی، برترین ابزار برای بهره‌وری از نیروهای وجودی انسان است. آدمی در جامعه‌ای که آزاد نباشد، قدرت خدمت ندارد و اگر آزادی نداشته باشد، نمی‌تواند تمامی نیروهای خویش را به کار گیرد و همه موهبت‌ها را پرورش دهد. پس آزادی بهترین وسیله برای به‌کارگیری نیروهای درونی فرد در خدمت به جامعه و نشانه احترام به کرامت انسانی و خوش‌گمانی به انسان است، در حالی که فقدان آزادی نشانه بدگمانی به انسان و کاستن از کرامت اوست. از دیدگاه صدر، آزادی یک انگیزه و محرک اصلی و ضروری برای انسان است اما سلب آزادی نه تنها این انگیزه را از بین می‌برد، بلکه با تعدی به کرامت انسانی، آن را نابود می‌کند، که به معنای کفر ورزیدن به ضنع پروردگاری است که آدمی را کرامت عطا کرده است (فرخیان، ۱۳۸۵، ص ۳۲۵).

از دیدگاه صدر، اولین شاخصه مهم انسان نسبت به سایر موجودات، آزادی انتخاب اوست و این آزادی باعث شکوفایی و رشد هماهنگ استعداد و توانایی‌های انسان و جامعه می‌شود (صدر، ۱۳۹۵، صص ۲۷-۲۸). آزادی، یعنی خوش‌بینی نسبت به انسان و کرامت او را به رسمیت شناختن و عدم آزادی، یعنی بدبینی نسبت به انسان و از ارزش کرامتش کاستن (فرخیان، ۱۳۸۵، ص ۳۲۷).

صدر، آزادی حقیقی را خلاص شدن از عوامل فشار داخلی و خارجی؛ یعنی رهایی از نفس و دیگران دانسته و به حدیثی از امام علی علیه السلام استناد می‌کند که شخص آزاده را کسی می‌دانند که از شهوات دوری کند و آنها را ترک نماید (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۸۸). البته منظور صدر، آزادی مطلق نیست؛ بلکه آزادی‌ای که در چارچوب صحیح عقلانی و شرعی قرار دارد و با آزادی افراد دیگر تزاخم نداشته باشد (صدر، ۱۳۹۵، صص ۲۷-۲۸)؛ بنابراین اگر انسان به این تعهد پایبند نباشد و آزادی مطلق را آرمان خود قرار دهد؛ اجتماع دچار هرج و مرج اخلاقی و فرهنگی خواهد شد که افراد از مسئولیت خویش شانه خالی می‌کنند و سربر زندگی اجتماعی و طفیلی آن می‌شوند و بدین ترتیب، جامعه‌ای بی‌تعهد و بی‌ارزش تأسیس شده است (صدر، ۲۰۰۰، ج ۳، ص ۱۵۲).

۲-۳. اصل پابندی به ارزش‌های انسانی

از دیدگاه صدر، هدف در این جهان، رسیدن به پاکیزه‌ترین نوع زندگی بوده و مهم‌ترین راه رسیدن به آن تربیت اجتماعی است؛ چراکه اعمال انسانی، ذات و هویت انسان را می‌سازد و صورت آخرت انسان، دقیقاً همان عمل دنیایی‌اش هست (صدر، ۱۳۹۴، الف، ص ۲۱۸)؛ لذا برای اصلاح امور جامعه و استحکام روابط اجتماعی، پابندی به ارزش‌های انسانی و اخلاقی لازم است؛ البته اخلاقی که بر انگیزه‌های متعالی تکیه دارد و سبب کمال انسان است، نه اخلاق رایج در جوامع امروزی که مبتنی بر سودجویی اقتصادی یا حداکثر آرامش روحی است (نصری، ۱۳۹۴، ص ۶۷).

۲-۴. اصل تعادل و هماهنگی با سنت‌های هستی

صدر با استناد به آیه «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ، أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ» (الرحمن، ۷ و ۸) بر سنخیت مسائل زندگی و امور اجتماعی با قوانین جاری آفرینش تأکید می‌کند؛ زیرا در غیراین صورت، آنچه بر ظلم، بی‌نظمی، هرج و مرج، تقلب و نیرنگ و امثال این امور تکیه داشته باشد، باطل بوده و در نهایت ساقط می‌شود؛ بنابراین لازمه توفیق در مسائل زندگی، همسویی با هستی است. در این صورت، همه هستی همراه با چنین انسانی خواهد بود (صدر، ۱۳۹۴ج، ص ۲۸۳). یعنی به‌مانند تکوین، در تشریح نیز تعادل و هماهنگی در سنجش اعمال مورد توجه قرار گیرد؛ چون جهان بر حق و عدل استوار بوده و برای رسیدن به سعادت باید در روش خویش عادل؛ یعنی همسو با هستی باشد، وگرنه موجودی بیگانه و رانده‌شده خواهد بود (بیگری، ۱۴۰۱).

به‌همین جهت خلقت الهی برای هر یک از زن و مرد، ویژگی‌ها و روحیاتی قرار داده که مطابق با فطرت انسانی و نیازهای والدین و فرزندان است؛ از این رو صدر معتقد است: اختلاف بین جسم و روان زن و مرد، موجب تفاوت در نقش‌ها و مسئولیت‌های هر یک از زن و مرد می‌شود. این اختلاف در شایستگی‌ها نقطه زیبا و مثبتی در جامعه و در کل نظام هستی به‌شمار می‌رود و به سبب همین تفاوت‌ها هر کاری به متخصص آن سپرده می‌شود و موجب شکوفایی جامعه می‌شود. قابلیت مادرشدن و نقش پدری دو استعداد متفاوت است که گویای شایستگی‌های متفاوت آنهاست (صدر، ۱۳۹۹ج، صص ۵۰ - ۶۶).

۳. مبانی تمدن غربی

تمدن غرب هم از مبانی‌ای برخوردار است که در اینجا به دو مورد از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۳-۱. انسان‌گرایی (اومانیزم)

اصلی‌ترین جریان حاکم بر تفکر سیاسی و اجتماعی غرب مدرن؛ که ریشه در قرن هفدهم داشته و در قرن‌های بعدی، تبدیل به ایدئولوژی شده است، لیبرالیسم می‌باشد (زرشناس، ۱۳۸۳، ص ۱۳۳). یکی از مهم‌ترین پایه‌های فکری لیبرالیسم، اومانیزم است که بر

اساس آن، انسان محور همه امور است (نصری، ۱۳۸۲، ص ۱۷). در واقع اومانیسم، مبنای هستی‌شناختی و سیاسی لیبرالیسم است که بشر را خودبنیاد می‌داند و به لحاظ فلسفی ریشه در عقل‌گرایی سوژکتیو دکارتی دارد (زرشناس، ۱۳۸۳، ص ۱۳۳). برخی از اومانیست‌های دوره رنسانس، انسان را فاقد فطرت ویژه می‌پنداشتند که همان نظریه اگزیستانسیالیست‌ها در قرن بیستم است که موجودات را صاحب ماهیت و وجود انسان را مقدم بر ماهیت او می‌دانستند. فلذا؛ انسان معمار وجود خویش بوده و ناپایداری، مهم‌ترین پیامد شخصیت آدمی است. این دیدگاه در مقابل سنت کلاسیک فلسفه غرب است که قائل به سرشت ویژه بر انسان بود (مسعودی، ۱۳۸۱).

از دیدگاه صدر، انسان معاصر به معبودی غیر از خداوند؛ یعنی معبود «مصلحت» و معبود «نفس» ایمان آورده است و نفس خود را مقدس‌ترین موجود قرار داده و با دیگران بر اساس این ایمان پست و بر طبق مصالح مشترک ارتباط برقرار می‌کند؛ لذا، دستاوردهای انسان معاصر محدود به خودمحوری است (صدر، ۱۳۹۸، ص ۱۱۳). انسان‌گرایان عقل را جایگزین خدا نموده و دین و معنویت را از زندگی حذف و یا به حاشیه رانده و هدف نهایی انسان در زندگی مادی و لذت‌های دنیوی خلاصه شد و انسان با آزادی و اختیار مطلق، مالک همه چیز بوده و خداوند تأثیرگذار بر سرنوشت او قلمداد نمی‌شود (ابراهیم‌زاده‌آملی، ۱۳۸۶).

۳-۲. فمینیسم

مبنای دیگر تمدن غرب، فمینیسم^۱ بوده که واژه‌ای فرانسوی و در سده نوزدهم به «جنبش زنان» اطلاق می‌شد و امروزه به «دفاع از حقوق اساسی زنان بر اساس آرمان برابری طلبی» اطلاق می‌شود. این جنبش، در آغاز برای اعتراض به برخی نابرابری‌های اجتماعی شکل گرفت، اما با گذشت زمان به جریانی فرهنگی و سیاسی تبدیل شد؛ که با

انگاره‌های مشخص ایدئولوژیکی به تحلیل نابرابری‌های زنان و آرمان‌های زنانه^۱ پرداخته و راهبردهایی خاص مطرح می‌کرد (ریتزر، ۱۳۹۱، ص ۴۵۹). با این همه مهم‌ترین دغدغه آنان ارتقای موقعیت زنان در جامعه و ایجاد برابری و همسانی میان زن و مرد است.

فمینیسم از زمان پیدایش تاکنون به گرایش‌های مختلفی تقسیم شده است و با وجود اختلافات فراوان در دیدگاه‌های فمینیستی، وجه مشترک آنها، در اصلاح وضعیت فرودستی زنان و قراردادن یافته‌های ناقص بشری به‌عنوان منبع و معیار تشریح و قانون‌گذاری می‌باشد و از آنجا که بستر پیدایش آن تحت نفوذ مسیحیت و یهودیت قرار داشت و این مذاهب تحریف شده با عدم‌پویایی لازم، قادر به پاسخ‌گویی به نیازمندی‌های روز نبودند (مقی‌حاجی، ۱۳۸۶).

چون نهضت فمینیسم ادامه سایر نهضت‌های اجتماعی غرب بود که از سده هفدهم تا سده حاضر شکل گرفت، محور اساسی آن دو چیز بود: «آزادی» و «تساوی». پیشگامان این نهضت با این استدلال که زن با مرد در انسانیت شریک است و یک انسان تمام‌عیار است، پس باید در تمام حقوق و تکالیف نیز مانند مرد و برابر با او باشد، مدعی شدند که بدون تأمین آزادی زن و تساوی حقوق او با مرد سخن از حقوق بشر بی‌معناست و همه مشکلات خانوادگی نیز ناشی از همین دو امر است. اما در این نهضت دقت و توجهی به این مسئله نشد که تساوی و آزادی، برای احقاق حقوق زن، دو شرط لازم‌اند، اما کافی نیستند. زن از آن جهت که انسان است، مثل هر انسان دیگر آزاد آفریده شده و باید از حقوق انسانی برابر بهره‌مند باشد. زن و مرد در انسانیت برابرند، ولی دو گونه انسان‌اند با دو گونه ویژگی‌های روان‌شناختی. این اختلاف و دوگونگی در متن آفرینش زن و مرد هدفمند بوده و بی‌اعتنایی به آن عوارض نامطلوبی در پی دارد.

بنابراین، در جنبش‌های فمینیستی بحث تساوی با تشابه و همانندی یکی محسوب شد و بدون توجه به تفاوت‌های زن و مرد، برای مساوی کردن حقوق آنان، تلاش کردند و انسان‌بودن زن، موجب فراموشی زنانگی وی شد. بدبختی‌های دوران قدیم به‌طور معمول

۱. feminine

معلول این بود که انسان بودن زن به دست فراموشی سپرده شده بود و مصیبت‌های زمان جدید هم از آن رو است که زن بودن زن و جایگاه طبیعی و فطری او مورد غفلت واقع شده است.

۴. جایگاه و منزلت زن از منظر امام موسی صدر

۴-۱. قوام خانواده مرهون وجود زن

امام موسی صدر، ابعاد فردی و اجتماعی زن را با محوریت نقش زن در خانواده مورد بررسی قرار داده است که استحکام خانواده به‌عنوان اصلی‌ترین بنیاد اجتماعی مرهون وجود زن است. وی با آوردن مثالی از فلاسفه به این مطلب پرداخته؛ به این شکل که هر چیزی از دو عنصر «ماده» و «صورت» تشکیل شده است، مثلاً اگر در ساخت یک خانه بهترین مواد را تهیه کنیم ولی در ترکیب آنها دقت لازم را نداشته باشیم؛ از استحکام لازم برخوردار نخواهد بود؛ از نظر دین، جامعه از دو عنصر ماده و صورت تشکیل می‌شود؛ ماده جامعه، خانواده است که شکل‌گیری جامعه به آن وابسته است و صورت جامعه هم ترکیب این خانواده‌ها و همکاری، تعاون و ارتباطات اجتماعی بین آنهاست. جهت بی‌نقصی و کمال جامعه، باید خانواده‌ها از استحکام لازم برخوردار بوده و روابط بین آنها عمیق و محکم باشد؛ و در صورت سستی خانواده‌ها، یا ضعف ارتباطی آنها، جامعه هم متزلزل و ضعیف خواهد بود (صدر، ۱۳۹۹، ص ۶۰).

بنابراین خانواده بخش مهمی از جامعه، با اجزای آن تعامل داشته و در تحولات اجتماعی، تأثیرگذاری متقابل دارد، تا جایی که وضعیت خانواده در جامعه منعکس می‌شود (صدر، ۱۳۹۵، ص ۲۳۱). صدر با ذکر این مثال، به تقسیم‌بندی وظایف اجتماعی پرداخته و مسئولیت تحکیم خانواده را بر عهده زن و مسئولیت استحکام و تقویت جامعه را متوجه مردان می‌داند (صدر، ۱۳۹۹، ص ۶۰).

۴-۲. قوام جامعه قائم به وجود زن

از نظر امام موسی صدر خانواده، بنا و نهادی مقدس^۱ همچون مسجد و مدرسه و اولین سلولی است که اساس و لازمه شکل‌گیری جوامع انسانی است؛ بنابراین نقش اجتماعی زنان باید از منظر ماده تشکیل‌دهنده جامعه و تأثیر مدیریت مادرانه زنان در خانواده مورد توجه قرار گیرد. جایگاه ویژه زن برخاسته از حضور پر معنا و سازنده او در خانواده به‌عنوان پایه و اساس حیات اجتماعی است.

در پرتو این نگاه، نقش زن در خانواده با انجام امورات زن در خانواده تفاوت بنیادین دارد. زن در خانواده تنها مسئول رسیدگی به امور خانه و خانواده نیست، بلکه مسئولیت تحکیم خانواده را نیز به عهده دارد. زن و مرد هر دو موظف به حفظ نهاد خانواده هستند، اما زنان و عاطفه عمیق مادری‌شان در قوام و استحکام این نهاد نقش اساسی دارد. صدر برای تبیین بهتر مقام مادر در خانواده، به گسست عاطفی و فکری نسل جدید اشاره کرده و محرومیت از حس مادری را علت این گسست می‌داند (صدر، ۱۳۹۹، صص ۶۱ و ۲۴۷)؛ بنابراین ترجیح امور خانه و خانواده برای زنان در اسلام، همسو با اثربخشی حضور آنها در خانواده و نقش زنانه آنها بوده و باور به نقش اجتماعی نمی‌تواند مانعی برای فعالیت مختلف زنان در جامعه باشد. هرچند کار زن نباید بر وظایف خانوادگی او تأثیر بگذارد (صدر، ۱۳۹۹، ص ۱۵۵).

از نظر صدر، معیار موفقیت یک جامعه بستگی به زنان آن جامعه دارد؛ زیرا زن عامل استحکام خانواده بوده و و یک جامعه موفق و سالم از خانواده‌هایی سالم تشکیل شده است. وی با تکیه بر اهمیت این بنیاد اجتماعی و تأکید بر اینکه نباید به اشتباه جامعه را مجموعه‌ای از افراد دانست، می‌گوید: تصویر الگویی که دین می‌پسندد خانواده است و جامعه از خانواده‌ها و نه افراد شکل یافته است؛ بنابراین برای برخورداری از یک جامعه سالم و موفق باید، به موقعیت و جایگاه زنان در آن جامعه توجه کرد و حضور پر معنا و سازنده او در خانواده به‌عنوان پایه و اساس حیات اجتماعی است (صدر، ۱۳۹۹، صص ۶۳ و ۱۱۲).

۱. پیامبر ﷺ: «ما بُنِيَ بِنَاءُ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ التَّرْوِيجِ» (ابن بابویه، بی تا، ج ۳، ص ۳۸۳).

۲-۴. تمدن‌سازی مرهون نقش مادری زن

میل مادری زن، امری فطری است، اما در فرهنگ اومانیستی به‌طور معمول آن را به اشتباه، یک عقب‌گرد یا نوعی محدود کردن توانایی‌ها تعبیر کرده و خدمت به خانواده می‌دانند. اما آنچه از آن غفلت شده، میل به مادری کردن است که خود زن، در وجود خویش احساس می‌کند. خواسته‌ای که برآمده از نیاز کودک نیست، هرچند پاسخ‌گوی آن است؛ همچنین حاصل یک نقش اجتماعی نیست، هرچند به واسطه آن حمایت می‌شود؛ بلکه خواسته تثبیت شده اوست. یکی از اهداف فمینیسم در ۲۵ سال اخیر، برچیدن آرمان مادر فداکار بوده است؛ و در نهایت، به گونه‌ای تصورناپذیر به زنان برای مادری کردن حق انتخاب داد و علاقه به مراقبت از فرزندان در معرض چالش‌های جدیدی قرار گرفت (دافنه، ۱۳۸۹، صص ۱۷-۱۸).

از نظر صدر، نقش اصلی زن اداره موفق خانواده است اما اداره و حضور موفق زنان در خانواده را نباید خدمت به مردان تلقی کرد، بلکه نقش خانوادگی زن به معنای نقش سازنده و فعال زنان در عرصه حیات اجتماعی است (صدر، ۱۳۹۹، صص ۶۳ و ۱۱۳).

وجه تمایز این نگاه در مقایسه با نگاه‌های دیگر این است که نقش خانوادگی و نقش اجتماعی در عرض هم در نظر گرفته نشده است تا نقش‌آفرینی در یکی از این عرصه‌ها منجر به محدود شدن نقش‌آفرینی در عرصه دیگر شود، بلکه این دو در یک رابطه طولی و مکمل همدیگر در نظر گرفته شده‌اند. از منظری دیگر، اصلی‌ترین نقش زن در خانواده مادری است و عاطفه نامحدود مادری و تقویت تربیت خانوادگی و پشتیبانی از آن به‌عنوان دو ویژگی مهم مادری، تفسیرکننده نقش اجتماعی زن است. به همین جهت مادر و مادری کردن اساس شکل‌گیری هویت خانواده است (افشار طهرانی و علیپور، ۱۳۹۸).

نگاه به نقش مادری زن که تاکنون یک نقش خانوادگی تلقی می‌شد به‌عنوان یک راهبرد اساسی برای ساختن جامعه از نورآوری‌های امام موسی صدر است. از نظر ایشان جوامعی که به رنج گسست‌های عاطفی میان‌نسلی دچار آمده‌اند و بحران‌های اخلاقی آنها را مورد هجوم قرار داده است از «حس مادری» و عاطفه مادری محروم بوده‌اند. در

این جوامع برخی کوشیده‌اند برای جایگزینی این محرومیت، حس مادری را برای آنها خریداری کنند و با استخدام خدمت کار و یا مؤسسات و یا دایه، حس مادری تشریفاتی را جایگزین حس مادرانه نمایند. ریشه تاریخی «تجاری ساختن» مقام مادر و شکل گیری «شرکت‌های گوناگون» برای جایگزین شدن به جای مادر در خانواده موضوع دیگری است که مورد توجه صدر قرار گرفته است. باید توجه داشت که محرومیت خانواده و جامعه از مقام زن و مادر، چالش بزرگ تمدن مادی بشری است (صدر، ۱۳۹۹، صص ۲۴۶-۲۴۸). تاجایی که فمینیسم در محصول تفکر غربی، نه تنها خانواده را به عنوان یک نهاد تحقیر کرده‌اند، بلکه ارزش مادری را حاشیه‌ای و غیرمهم تلقی نموده‌اند (صادقی‌فسایی، ۱۳۸۴).

از نظر صدر، زن نیز مانند مرد در بقای جامعه مشارکت دارد. اینکه در تمدن جدید انسان معاصر به ویژه جوان معاصر، همواره احساس نگرانی دارد و نمی‌تواند انس، آرامش و امید داشته باشد و گرفتار محنت بی‌ایمانی است، ریشه در این دارد که جوان معاصر چه در غرب و چه در شرق مراقبت خانواده را از دست داده است. رهاشدن از این محنت که آینده کل تمدن را تهدید می‌کند و پرخورداری از ایمان که همان آگاهی است که با باور و اطمینان درونی همراه است، در گروی زنده شدن نقش مادر است. جوانان نیازمندند تا تجلی خدا را ابتدا در مادر خود ببینند و پس از او در پدر و... تا در پرتو آن، به خدا و ارزش‌های والا ایمان بیاورند. در غیر این صورت، ایمان به خدا و امور متناهی ناشی از توهم خواهد بود و اموری فرضی به شمار خواهد آمد (ر.ک: صدر، ۱۳۹۹، صص ۱۶۱-۲۰۸).

نقش آفرینی زن در خانواده در قالب مادر و عاطفه مادری، در حقیقت گام برداشتن برای رفع یکی از اصلی‌ترین آسیب‌های تمدن جدید و حرکت به سوی یک تمدن آرمانی است و بر همین اساس است که می‌توان گفت صدر با تغییر نگاه رابطه عرضی خانواده و جامعه به یک رابطه طولی و تبیین مقام مادری زن در خانواده، در عمل نقش مادری را به عنوان یک رکن از ارکان تمدن بالا برده است.

۵. نگاه به زن در تمدن انسان‌گرایانه غرب

۵-۱. پیشینه تاریخی نگاه به زن

جریانات دفاع از حقوق زنان در غرب و شرق امروزه در قالب اومانیزم و فمینیسم شکل گرفته است که تحت تأثیر از جریانات تاریخی گذشته است. در برخی از جوامع زن را به‌عنوان موجودی پست می‌دانستند که صرفاً برای خدمت به مردان به وجود آمده است. در یونان باستان، وضعیت زنان هیچ تناسبی با تمدن پیشرفته‌اش نداشت. آنها زن را به‌عنوان عنصری زایا و ارضاکننده شهوات می‌دانستند و زن به هیچ‌وجه شریک زندگی مرد محسوب نمی‌شد؛ زیرا که او را دارای قوای کامل بشری نمی‌دانستند و زن سرچشمه بدبختی‌ها و مشکلات تلقی می‌شد؛ چون دارای روح جاوید انسانی نیست و حق ندارد بعد از مرگ شوهر زندگی کند. یونانی‌ها زن را موجودی پاک‌نشدنی و زاده شیطان می‌دانستند و او را از هر کاری جز خدمتکاری و ارضاء غرائز جنسی مرد ممنوع‌المداخله می‌شمردند (قائمی، ۱۳۷۳، ص ۴۲).

این نگاه در طول تاریخ غرب تا دوره رنسانس که عصر بیداری انسان غربی بود، ادامه یافت حتی در جوامع دیگر نیز با تفاوت‌هایی همین نگاه وجود داشت و زن از حق مالکیت، ارث، حقوق اجتماعی و... محروم بود. به‌عنوان مثال، زن در هند به‌عنوان موجودی شریر برای فاسد کردن مرد شناخته می‌شد، و در برخی از قبایل استرالیا، زنان اساساً انسان شمرده نمی‌شدند (معصومی، ۱۳۸۷، ص ۱۹). در مصر، چین، آفریقا و دیگر نقاط دنیا نیز زنان از حقوق اجتماعی محروم بودند، و به‌عنوان فرمانبری در اختیار مردان قرار داشتند تا برای آنان کار کنند و بهره جنسی دهند.

علامه طباطبائی رحمته‌الله وضعیت زن را در اقوام دور این چنین توصیف می‌کند:

آنچه در این باب در بین تمامی این امت‌ها مشترک بوده، این بود که زن در نظر این اقوام هیچگونه استقلال و حریت و آزادی نداشته، نه در اراده‌اش و نه در اعمالش، بلکه در همه شئون زندگی‌اش تحت قیمومت و سرپرستی و ولایت بوده، هیچ کاری را از پیش خود منجز و قطعی نمی‌کرده، و حق مداخله در هیچ

شأنی از شئون اجتماعی را نداشت (نه در حکومت، نه در قضاوت، و نه در هیچ شانی دیگر). حال بینیم با نداشتن هیچ حقی از حقوق، چه وظائفی به عهده داشته است؟ اولاً، تمامی آن وظائفی که به عهده مرد بوده به عهده او نیز بوده است، حتی کسب کردن و زراعت و همیزم‌شکنی و غیر آن، و ثانیاً، علاوه بر آن کارها، اداره امور خانه و فرزند هم به عهده او بوده، و نیز موظف بود که از مرد در آنچه می‌گوید و می‌خواهد اطاعت کند (طباطبایی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۳۹۷).

در نگاه امام موسی صدر، زن در همه جوامع بشری گذشته غیر از ادیان الهی، مظلوم واقع شده است؛ چون همواره موجوداتی بی‌ارج و پایین‌تر از مردان محسوب شده و یا دارای محرومیت‌های شدید بوده‌اند (صدر، ۱۳۹۹، ص ۵۰). با ظهور اسلام، فضای تحقیر زن و پست‌شمردن هویت او شکسته شد و مسلمانان موظف شدند زن را محترم شمرده و حقوق او را رعایت نمایند در غیر این صورت مؤاخذه و در برخی موارد مجازات خواهند شد، با این همه در غرب در قرون وسطی و حتی در دوره رنسانس زن در وضعیت نامناسبی قرار داشت و انواع ظلم‌ها، صرفاً به خاطر زن‌بودن به او روا دانسته می‌شد؛ زن در ازدواج، سوادآموزی، رأی‌دادن، تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و حتی گاهی از حق مالکیت نیز محروم بود (معصومی، ۱۳۸۷، ص ۲۶).

۲-۵. توجه به وجه زنانگی و انکار انسانیت زن

زن از دیدگاه امام موسی صدر پیش از آنکه وجه زنانگی او مورد توجه قرار گیرد، به‌عنوان یک انسان مدنظر است. وی دیدگاه خود را مستند به دین کرده و با قضاوت‌های افراطی مردانه مبتنی بر زور و قدرت مردانه و یا قضاوت‌های افراطی زنانه مبتنی بر از سر ضعف زنانه تن به وضعیت موجود دادن سخت مخالف است (صدر، ۱۳۹۹، ص ۱۱۴). نگاه انسانی به زن و یکسان‌شمردن او از منظر انسانیت با مرد، و درک اینکه تفاوت وظایف زن و مرد متناسب با توانایی آنهاست، راه را بر هرگونه تبعیض و تحقیر می‌بندد. به همین خاطر شهید مطهری می‌گوید: «آنچه در خلقت حاکم است تفاوت است نه تبعیض؛ و راز تفاوت موجودات، ذاتی آنها می‌باشد و لازمه نظام علت و

معلولی است» (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱، صص ۱۲۵-۱۲۶).

در نگاه امام موسی صدر، ریشه تضييع حقوق زنان و گسترش طلاق و فروپاشی نهاد خانواده، غفلت از وجه انسانی و انکار انسانیت آنان و محدود شدن نگاه‌ها به جنسیت زن و وجه زنانگی اوست که زمینه‌ساز بهره‌برداری از بُعد جسمانی زن و تبدیل شدن به یک کالای سودآور تجاری در نظام سرمایه‌داری است (صدر، ۱۳۹۹، صص ۷۰-۷۲).

۲-۵. زن به مثابه نگاره و تابلوی هنری

به نظر صدر، فرهنگ و تمدن مدرن در بیشتر موارد، زن را تابلویی هنری می‌داند که کارش تحریک شهوت و دلربایی و دل‌فریبی است. وقتی زن به تابلویی هنری تبدیل شود؛ یعنی، انسانیت و زن بودن او انکار شده، شایستگی‌ها و قابلیت‌هایش در جامعه مورد بی‌توجهی و غفلت واقع شده است (صدر، ۱۳۹۹، ص ۶۹). زن در جوامع مدرن، معنایی جز غریزه جنسی ندارد و ارزش، شایستگی‌ها، علم، قدرت فهم و مقام مادری زن در این جوامع از یاد رفته است. فرهنگ و تمدن مدرن در همه حوزه‌ها؛ یعنی در حرف‌های عاشقانه، در تبلیغات، در تجارت‌ها، در سینماها، نوع لباس و پوشش و ترویج مد به زن تحمیل کرده که تنها یک جنس مؤنث باشد و بس. این از دیدگاه صدر یعنی؛ الف. افزایش بی‌بندوباری و جریان فساد در جامعه ویرانی بنیان خانواده؛

ب. بدبینی و اشاعه شک و تردید زن و شوهر به یکدیگر؛

ج. از میان رفتن تفاهم، عاطفه و آرامش از محیط خانواده؛

د. حاکم شدن سردی در روابط زن و شوهر، مشاجرات و اختلافات و در نتیجه طلاق

و جدایی؛

ه. تقلیل عمر زن؛ به این معنا که تا زمانی که زن از نظر ظاهری زیبا و جذاب باشد

به او احترام قائل می‌شوند و به محض اینکه زیبایی و جذابیت خود را از دست داد، به

دست فراموشی سپرده می‌شود.

و. تقلیل فرصت‌های زن؛ یعنی زن در دوران جوانی و زیبایی نمی‌تواند از همه

فرصت‌های زندگی‌اش بهره‌لازم را ببرد؛ چون کسی که می‌خواهد از نظر مد در جامعه

بهترین و دل‌فریب‌ترین باشد، باید ساعت‌ها برای ظاهر و آرایش خود زمان صرف کند که این منجر می‌شود به اینکه مجالی برای بروز شایستگی‌ها و قابلیت‌های دیگر او وجود نداشته باشد (صدر، ۱۳۹۹، ص ۷۱).

۶. وجه تمایز دیدگاه صدر و غرب درباره جایگاه زن

۶-۱. نگاه جامع به انسان دو ساحتی

از دیدگاه صدر، انسان دینی برخلاف اومانیست‌ها، دلبسته و وابسته به خدا است و با کرامت ذاتی در سایه تقوا از لذت‌های روحی و معنوی نیز بهره‌مند می‌شود. همچنین، انسان اومانیستی گرچه طبیعت را به تسخیر خویش درآورده، ولی از عالم غیب و آخرت و حقایق آن بازمانده است، اما انسان در تربیت دینی، علاوه بر برخورداری از موهبت‌های طبیعت و نعمت‌های مادی، به دلیل بصیرت ایمانی، به حقایق غیبی و باطنی نیز دست می‌یابد. در تفکر اومانیستی، عقل انسانی از دین و حیانی جدا شده است ولی عقل بریده از وحی و در بند هوا و هوس و اسیر غریزه‌های نفسانی افسارگسیخته، هرگز نمی‌تواند مصالح راستین انسان را بازشناسد و راه درست کمال انسانی را به او بازنماید اما از نگاه صدر در تفکر اسلامی، عقل نه به صورت کامل نادیده گرفته می‌شود و نه به طور مطلق پذیرفته می‌گردد (ابراهیم‌زاده آملی، ۱۳۸۶، ص ۶۷).

بنابراین مبانی فکری اومانیسم، برخلاف مفاهیم، حقایق و واقعیت‌های موجود در مسائل کلان و من‌عالی انسان - درباره انسان و حتی تمام اقوام و ملل است؛ زیرا بی‌هدفی و رهاشدگی، لذت‌گرایی و خودکامگی، موجودی غیرمسئول و بی‌بند و بار و آزادی در غرایز و خودطبیعی‌اش در مقابل جاودانگی و معناداری، هدفمندی، کمال‌گرایی و سعادت‌مندی و آزادگی او قرار گرفته است (جعفری، ۱۳۷۳، صص ۲۸۱-۲۸۶).

بنابراین زن که در حقیقت هویت و منزلت والایی در جامعه دارد، به علت تبلیغ‌های فریبنده به طور مستقیم یا غیرمستقیم، ناچار است بزرگ‌ترین تحقیرها و بی‌حرمتی‌ها را در استفاده ابزاری‌اش تحمل کند. شرکت‌ها و بنگاه‌های تجاری و اقتصادی برای زیبا جلوه‌دادن کالاهای تجاری و فرهنگی‌شان، زیبایی زن را به قربانگاه می‌برند تا بتوانند به

منافع مادی خویش دست یابند (اخوان، ۱۳۹۴).

صدر با تأکید بر اینکه حقیقت زن از جسم و روح تشکیل شده است، زنان را مخاطب قرار می‌دهد و از آنان می‌پرسد که چرا می‌پذیرند تنها در یک بُعد و جنبه جسمی محدود شوند؟ و حال آنکه زن در جامعه و بیرون از خانه باید در نقش انسانی با کفایت ظاهر شود (صدر، ۱۳۹۹، صص ۷۶ و ۸۳).

۶-۲. نادیده‌انگاری خداوند، مبنای ارزش‌گذاری

اگر مبنای قانون‌گذاری در زندگی انسان، وحی الهی باشد، از هر نوع خطا، افراط و تفریط مصون است، اما اگر قانون، ساخته فکر محدود بشری باشد، در بیشتر اوقات به افراط و تفریط کشیده می‌شود. در جایگاه و ارزش زن زمانی راه تفریط طی شد و زنان از حقوق مسلم خود محروم بودند، و امروزه راه افراط را در پیش گرفته‌اند. غرب می‌خواست حقوق از دست‌رفته زن را به او بازگرداند، ولی با آزادی‌های بی‌قید و شرط، او را از رسیدن به انسانیت بازداشته و بجای نجات از بردگی، به بردگی مدرن کشاند. اما اسلام در همه زمینه‌ها راه اعتدال را فراروی انسان‌ها قرار می‌دهد که پیمودنش موجب سعادت در دنیا و آخرت می‌شود.

در فرهنگ دینی و اندیشه صدر، «آزادی» مسئولیت انسانی در برابر خداوند و مبنای شکل‌گیری جامعه انسانی به شمار می‌آید. اما در فرهنگ غربی، کلمه آزادی به جای آنکه معنای رهایی از بندگی شکم، دامن، پول، مقام، قدرت و وارستگی از پستی و از تعلق به اباطیل، اوهام و خرافات را بدهد، معنای لابلالی‌گری و غوطه‌ور شدن در منجلاب فحشا، بی‌عفتی و فساد اخلاقی می‌دهد. در فرهنگ اسلامی، انسان غیر از ظاهر جسمانی، دارای روح و نفس است و قوام انسانیت بشر نیز به روح اوست ولی در فرهنگ غربی یا منکر روح می‌شوند یا روح را تابعی از بدن می‌دانند و معتقدند اصل بالذت جسمانی و مادی است نه معنویات؛ و ارزش‌ها تابع ذوق و سلایق مردم است. با همین نگاه، پایه‌گذار ابتدال زنانه شده و زن را به‌عنوان وسیله التذاذ مردان معرفی کرد. و آزادی؛ یعنی بی‌اعتنایی به حکم عقل و اعراض از دین و غوطه‌ور شدن در منجلاب فساد

اخلاقی، و به هیچ اصول اخلاقی پای بند نبودن، خاموشی وجدان و کشتن فطرت. در فرهنگ غربی، اگر زن بخواهد در جامعه نمود پیدا کند، باید از جذابیت‌های جنسی خودش چیزی را ارائه دهد. خود را در چشم مردان آرایش کند و با زینت و تجملات، و با تبرج و خودنمایی، برای مردان چشم‌نواز باشد؛ تا چشم‌های هرزه به او نگاه کنند و از او بهره گیرند. زن در این فرهنگ، وسیله‌ای برای اطفای شهوت مردان شد و از مقام انسانیت سقوط کرد.

وقتی به انسان، زن و آزادی بر اساس نگاه دینی و نگاه الهی نگریسته شود، آن زمان زن و جایگاه حقیقی او شناخته می‌شود. آزادی در غرب در حقیقت انکار ساحت قدسی زن در سایه اومانیسیم و بوده که زمینه‌ساز تخریب جایگاه والای زن بر پایه لذت فردی شده که به تبع آن شاهد از هم گسیختگی خانواده، تقدس‌زدایی از نقش انسان‌ساز مادر، افزایش طلاق و کاهش ازدواج و ترغیب به همجنس‌گرایی هستیم.

امام موسی صدر معتقد است، تمدن غرب بر اساس بی‌توجهی به تأثیر ماورأ الطبیعه در زندگی انسان، بنا نهاده شد و پایه‌های تمدن را بر بی‌توجهی به خداوند و نه انکار او قرار داد، به گونه‌ای که ضمن اعتراف به وجود خدا، تأثیر‌گذاری او در جهان هستی را نفی کردند (صدر، ۱۳۹۵، ص ۷۳)؛ فلذا تمدن غرب، بدون مبنای اخلاقی و معنوی رشد کرد. از نگاه صدر، بنیادهای فکری و عملی تمدن غرب، انسانیت را به هرج و مرج جنسی سوق می‌دهد. لجام گسیختگی دوران معاصر، مرحله‌ای از روند تمدن مادی است که دشواری و رنج حاصل از آن، روزبه‌روز فزونی می‌یابد؛ زیرا مبانی انحرافی، جز نتایج منحرف به بار نمی‌آورد و پیامد نهایی آن نیز جز زوال مردانگی، ضعف اراده، ناتوانی و نابودی نیروهای وجودی انسان نخواهد بود. صدر معتقد است که، دین برای هدایت انسان آمده است و مخالف انانیت و خودخواهی بشر است ولی در مکتب اومانیسیم، انسان اصل و محور بوده و تمام کنش‌ها با خواست و میل او پیش می‌رود؛ بنابراین در اومانیسیم، انسان، محور است ولی در ادیان الهی، انسان مخاطب است.

۳-۶. یک‌جانبه‌گرایی در رشد انسان

در آموزه‌های دینی کمال انسان در استفاده متعادل و متوازن از استعدادهای خدادادی و رشد همه‌جانبه و هماهنگ آنهاست نه معطلی برخی از آنها (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲۳، ص ۱۱۲). برای هر احساس و نیاز بشر، باید حد و حدودی معقول و روشی هماهنگ با وجود او و متناسب با اهداف زندگی‌اش وجود داشته باشد؛ وگرنه منجر به انحراف از مسیر اعتدال و شأن فردی و اجتماعی خواهد بود؛ لذا نقش و وظایف زنان با مردان تفاوت دارد (صدر، ۱۳۹۹، صص ۱۰۳ و ۱۱۴).

صدر انسان را دارای سه بُعد «ارادی»، «اجتماعی» و «جزوی از هستی» می‌داند و معتقد است، کمال حقیقی انسان به این است که در هر سه بُعد به کمال برسد، چنان‌که اگر تنها به انگیزه بُعد ارادی حرکت کند، دچار خودخواهی و انانیت خواهد شد و اگر در بُعد اجتماعی‌اش بدون شخصیت ویژه خود ذوب شود، جامعه و وجود خود را از صبغه اصیل و توانایی‌های منحصر به فردش محروم کرده است و اگر صرفاً پدیده‌ای چون سایر پدیده‌ها در جهان هستی باشد، به خود و جهانش ظلم کرده است؛ زیرا خصلت انسانی خود را از دست داده است (صدر، ۱۳۹۴، ص ۱۷۲).

در تمدن امروزی با رشد یک‌جانبه و یک‌بُعدی انسان روبه‌رو هستیم؛ چون بر پایه ایمانی که مایه اعتدال و همنوایی در راه خدمت به همه باشد، نبوده است. نگاه به جایگاه زن در تمدن غربی به نگاه تک‌بعدی آنها به زن برمی‌گردد (صدر، ۱۳۹۸، ص ۶۹).

۷. راهکارهای صدر برای بازیابی هویت اصلی زن

یکی از محورهای پیشنهادی صدر برای بازیابی جایگاه حقیقی زن در جهان امروز، بازگشت به اصول و به اسلام صحیح و حقیقی است؛ زیرا هیچ دینی به اندازه اسلام و هیچ جامعه‌ای به اندازه جامعه اسلامی به زن حرمت قائل نشده است. صدر زنان را به مطالعه و بازیابی هویت اصلی خود دعوت کرده و آنان را به ورود به میدان‌های مبارزه رویارویی و به چالش کشیدن سنت‌های ناسالم حاکم بر شرق و غرب در حوزه زنان و عدم عقب‌نشینی در برابر فرهنگ تجارت و استثمار زن فرا می‌خواند. صدر راهکار محروم‌نماندن از توجه پدری و عاطفه مادری را، در تقویت تربیت خانوادگی و پشتیبانی

از آن و محکم کردن مبانی و وجود الگوهای آرمانی در روابط می‌داند. و مطرح نبودن خدا و الگوهای آرمانی در زندگی انسان معاصر باعث آشفتگی و نگرانی، از هم گسستگی جامعه و ضعیف شدن روابط افراد جامعه با یکدیگر می‌شود (صدر، ۱۳۹۹، صص ۹۰ و ۱۶۳).

راهکار دیگر برای رهایی از این مسائل و مشکلات، رعایت انواع حجاب است که صدر با استنادات قرآنی منطق اسلام را در چند آیه خلاصه کرده است.

یک. حجاب در سخن گفتن: «در گفتار خود، نرمی و طنازی نداشته باشید تا کسی

که بیمار دل است طمع کند و به وسوسه بیفتد تحریک شود» (سوره احزاب، ۳۲).

دو. حجاب در راه رفتن: «زنان نباید پاهایشان را به زمین بزنند تا آنچه از زینت‌هایشان

پنهان می‌دارند شناخته شود و باعث تحریک و وسوسه آنها بشود» (سوره نور، ۳۱).

سه. حجاب ظاهری: «زینت خود را آشکار نکنند مگر برای شوهرانشان؛ زینت

یعنی زیبایی‌ها و اعضای که تحریک کننده و شهوت‌انگیز هستند (سوره نور، ۳۱)؛ «و مانند

زنان دوران جاهلیت پیشین که برای خودنمایی با زینت و آرایش و بدون پوشش در

همه جا ظاهر می‌شدند ظاهر نشوید» (سوره احزاب، ۳۳).

چهار. حجاب در نگاه: «به زنان با ایمان بگو: «دیدگان خود را از نگاه هوس‌آلود

فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از

آن پیداست» (سوره نور، ۳۱).

چون اگر زن به طرز تحریک کننده راه برود و زیبایی‌های خودش را آشکار کند،

در این صورت اولین چیزی که نظر مردها را به خود جلب می‌کند، زیبایی و حالت

زنانگی زن است و این تمام وجود زن را تحت الشعاع قرار می‌دهد و مانع بروز و ظهور

دیگر قابلیت‌های او مثل علم، فضل، خانه‌داری، ایثارگری، تربیت کودک و مادر بودن

می‌شود؛ بنابراین اسلام برای حفظ جایگاه و کرامت زن از او می‌خواهد که در محیط

خانه برای شوهرش آراسته و جذاب و دلربا باشد و نقش زن را بازی کند، ولی وقتی در

اجتماع حاضر می‌شود باید نقش انسانی خود را بازی کند نه نقش زنانه‌اش را (صدر،

۱۳۹۹، صص ۷۴-۷۶).

صدر در پاسخ به تمامی مشکلات امروزی در حوزه زنان، از الگویی عملی و ابدی در اسلام برای زنان یاد می‌کند و نسبت به حل چالش بزرگ مدرنیته و دیگر مصائب تاریخی برای خانواده و اجتماع بشری، تاسی به حیات نورانی حضرت زهرا علیها السلام، به عنوان الگوی بزرگ الهی می‌داند؛ چراکه نهاد خانواده با وجود زن استحکام می‌یابد؛ زنی که در خانواده پزشک، معلم، روحانی و هم قاضی است، و عمل او با عمل مرد در نزد خداوند یکسان است، زنی که هرگز وجودش مقدمه مرد و یا برای مرد نیست (ر.ک: صدر، ۱۳۹۹، صص ۵۶-۷۵).

بنابراین در منظومه فکری امام موسی صدر، مادر، مفهومی محدود به خانواده نیست بلکه یک مقام هدایت برای جامعه است و حضرت زهرا علیها السلام به‌ویژه با توجه به اینکه رفتار و گفتار او مبتنی بر وحی است، مادر اجتماع بشری و معیار و میزان سنجش اعمال آن است. صدر هوشمندانه برای تبیین ابعاد زندگی حضرت زهرا علیها السلام تلاش کرده است تا این حقیقت بزرگ را نه تنها به مسلمانان، بلکه به غرب نیز بشناساند.

نتیجه‌گیری

با وجود اینکه دین اسلام بر کرامت و حفظ و اعاده حقوق زنان تأکید می‌کند، اما می‌توان گفت چالش تحقیر زنان به شکل‌های گوناگون و شیوه‌های جدید متناسب با ابزارهای نوین ارتباطاتی و فضای مجازی همچنان ادامه دارد. امام موسی صدر در گفتگو منزلت و جایگاه زنان، از تضعیف حقوق زنان در تمدن غرب انتقاد می‌کند و از ضرورت وجود الگوی انسان کامل برای جامعه مانند حضرت زهرا علیها السلام به‌عنوان برترین انسان یاد می‌کند. صدر زن را به‌ویژه در مقام مادر، رکن اصلی نهاد خانواده می‌داند و در واقع زن را مادر اجتماع می‌داند. به‌نظر می‌رسد افزون بر باورهای دینی امام موسی صدر، رویکرد عقلی حاکم بر منظومه فکری ایشان، اقلان‌کننده ذهن و اندیشه کسانی است که در پی راهکاری برآمده از آموزه‌های دینی و متناسب با نیازهای زمانه در چالش‌های مربوط به زنان هستند. صدر جامعه غربی را به‌مثابه شرکت تجاری بزرگ و خانواده را شرکت تجاری کوچکی که تحت تأثیر شرکت بزرگ قرار گرفته، معرفی

می‌کند. به همین خاطر خانواده در آنجا، هویت و استقلال و کارکرد عاطفی خودش را از دست داده است و با کم‌رنگ‌شدن روابط عاطفی در خانواده و تغییر کارکردهای آن، هویت اصلی آن هم از دست می‌رود. زن در چنین خانواده‌ای به جای پرداختن به علم، فضیلت‌ها، استعدادها و حس مادری؛ بیشتر متوجه ابعاد جسمانی‌اش می‌شود. وقتی معیار فقط زیبایی و جوانی یک زن باشد، در نتیجه فرصت‌های او برای فکر کردن، برنامه‌ریزی و رشد استعدادها کاهش می‌یابد؛ زیرا تمام زمان را به مراقبت از جسم و جوان نگه‌داشتن آن می‌گذرانند. در نتیجه تجارت بدن در جامعه، به تضعیف روابط زناشویی و تحلیل خانواده می‌انجامد؛ بنابراین در منظومه فکری امام موسی صدر توجه به اصل کرامت ذاتی زن و مرد و اصل آزادی آنان در چارچوب الهی پررنگ‌تر است. اما تمدن جدید از جمله مکاتب سکولاریسم، اومانیسم و فمینیسم، بر اساس نگاه ابزاری و جنسی به زن تأسیس شده است.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابراهیم‌زاده‌آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). انسان در نگاه اسلام و اومانیسم. مجله قیسات، شماره ۴۴، صص ۵۱-۷۰.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی. (بی‌تا). من لایحضره الفقیه (ج ۳). قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن شعبه. (۱۴۰۴ق). تحف العقول (مصحح: علی اکبر غفاری، چاپ دوم). قم: جامعه مدرسین.
۴. اخوان، منیره. (۱۳۹۴). نقض حقوق زنان در غرب: تحلیلی از جایگاه زن در کشورهای اروپایی و آمریکا. فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان، شماره ۱، صص ۲۱-۴۰.
۵. افشارطهرانی، آذر؛ علیپور، فاطمه. (۱۳۹۸). دیدگاه تمدن نوین اسلام و فمینیسم در مورد جایگاه مادر در خانواده با توجه به آیات و روایات. مجله سفینه، شماره ۶۴، صص ۱۴۹-۱۵۷.
۶. اکبری، خسرو؛ میرزایی، حسین و آقاییاری، توکل. (۱۳۹۲). شناسایی عوامل مرتبط با

- گرایش به جهانی شدن فرهنگ در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. مجله مطالعات جامعه‌شناسی، شماره ۱۹، صص ۳۹-۵۵.
۷. بیگلری، احمد. (۱۴۰۱). مبانی انسان‌شناختی الهیات مقاومت در اندیشه امام موسی صدر. مجله سیاست متعالیه، شماره ۳۷، صص ۴۲-۵۸.
۸. جعفری، محمدتقی. (۱۳۷۳). تکاپوی اندیشه‌ها. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۹. دافنه، دمارنف. (۱۳۸۹). غریزه مادری در مورد فرزندان، عشق و زندگی معنوی (مترجم: آزاده وجدانی). قم: نشر معارف.
۱۰. ریتزر، جورج. (۱۳۹۱). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر (مترجم: محسن ثلاثی). تهران، علمی.
۱۱. زرشناس، شهریار. (۱۳۸۳). مبانی نظری غرب مدرن، تهران: کتاب صبح.
۱۲. صادقی‌فسایی، سهیلا. (۱۳۸۴). چالش فمینیسم با مادری. مجله مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۸، صص ۱۹-۴۳.
۱۳. صالحی‌امیری، سیدرضا؛ کاووسی، اسماعیل. (۱۳۹۱). فرهنگ و مدیریت سازمان‌های فرهنگی (چاپ دوم). تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۱۴. صدر، موسی. (۱۳۹۴ الف). برای زندگی: گفتارهای تفسیری امام موسی صدر (مترجم: مهدی فرخیان، چاپ سوم). تهران: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
۱۵. صدر، موسی. (۱۳۹۴ ج). حدیث سحرگهان: گفتارهای تفسیری امام موسی صدر (مترجمان: علیرضا محمودی و مهدی موسوی‌نژاد، چاپ سوم). تهران: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
۱۶. صدر، موسی. (۱۳۹۹ الف). آنچه خود گفت: روایت امام موسی صدر از زندگی و اندیشه‌های خود (مترجم: مهدی فرخیان). موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
۱۷. صدر، موسی. (۱۳۹۱). سفر شهادت (مترجمان: مهدی فرخیان و احمد ناظم). تهران: امام موسی صدر.

۱۸. صدر، موسی. (۱۳۹۴ب). نای و نی (مترجم: علی حجتی کرمانی، چاپ سوم). تهران: امام موسی صدر.
۱۹. صدر، موسی. (۱۳۹۵). ادیان در خدمت انسان (چاپ چهارم). تهران: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
۲۰. صدر، موسی. (۱۳۹۸). دین در جهان امروز (چاپ دوم). تهران: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
۲۱. صدر، موسی. (۱۳۹۹ب). زن و چالش‌های جامعه (چاپ سوم). تهران: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
۲۲. صدر، موسی. (۲۰۰۰م). مسیره الامام السید موسی الصدر (ج ۳، اعداد و توثیق: یعقوب ضاهر). بیروت: دار بلال.
۲۳. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۷۳). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۲، مترجم: محمد باقر موسوی همدانی). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۴. عسکری منفرد، آمنه. (۱۴۰۱). مسئله زن از منظر اسلام و فمینیسم، برگرفته از سایت: <https://www.ilna.ir/fa/tiny/news-1339173>
۲۵. فرخیان مهدی. (۱۳۸۵). اندیشه ربوده شده: گفتارهای صاحب نظران ایرانی و غیرایرانی درباره امام موسی صدر. تهران: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
۲۶. قائمی، علی. (۱۳۷۳). حیات زندگی زن در اندیشه اسلامی (چاپ اول). تهران: انتشارات امیری.
۲۷. مسعودی، حسین. (۱۳۸۱). در آمدی بر شناخت انسان جدید. مجله حوزه، شماره ۱۰۹ و ۱۱۰، صص ۳-۱۸.
۲۸. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۶). مجموعه آثار استاد شهید مطهری (ج ۱ و ۲۳). تهران: صدر.
۲۹. معصومی، مسعود. (۱۳۸۷). فمینیسم در یک نگاه. قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳۰. مقیمی حاجی، ابوالقاسم. (۱۳۸۶). جریان‌شناسی و پدیدارشناسی فمینیسم از نگاه امام

خمینی رحمته الله. مجله حضور، شماره ۶۱، صص ۶۹-۸۶.
۳۱. نصری، عبدالله. (۱۳۸۲). گفت‌مان مدرنیته. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.



References

* The Holy Qur'an

1. Afshar Tehrani, A., & Alipour, F. (2019). The view of the modern civilization of Islam and feminism regarding the position of the mother in the family according to the verses and traditions. *Safina*, 64, pp. 149-157. [In Persian]
2. Akbari, Kh., Mirzaei, H., & Aghayari, T. (2013). Identifying the factors related to the trend towards the globalization of culture among the students of Islamic Azad University, Tabriz branch. *Journal of Sociological Studies*, 19, pp. 39-55. [In Persian]
3. Akhawan, M. (2015). Violation of women's rights in the West: An analysis of the status of women in European and American countries. *Journal of Protection of Women's Rights*, 1, pp. 21-40. [In Persian]
4. Askari Monfared, A. (2022). *The issue of women from the perspective of Islam and feminism*. From: <https://www.ilna.ir/fa/tiny/news-1339173>. [In Persian]
5. Biglari, A. (2022). Anthropological foundations of resistance theology in the thought of Imam Musa Sadr. *Journal of Transcendent Policy*, 37, pp. 42-58. [In Persian]
6. Daphne, D. (2010). *Mother's instinct about children, love and spiritual life* (A. Vojdani, Trans.). Qom: Maarif Publications. [In Persian]
7. Ebrahimzadeh Amoli, A. (2007). Man in the eyes of Islam and humanism. *Qabasat*, 44, pp. 51-70. [In Persian]
8. Farokhian M. (2006). *Kidnapped Thought: Speeches of Iranian and non-Iranian experts about Imam Musa Sadr*. Tehran: Imam Musa Sadr Cultural Research Institute. [In Persian]
9. Ghaemi, A. (1994). *The life of a woman in Islamic thought* (1st ed.). Tehran: Amiri Publications. [In Persian]
10. Ibn Babewayh, M. (n.d.). *Man la Yahzaroh al-Faqih* (Vol. 3). Qom: Islamic Publications Institute.
11. Ibn Shuba Harrani, H. (1984). *Tuhaf al-Oqul*. (A. A, Ghaffari, Ed., 2nd ed.). Qom: Society of teachers. [In Arabic]

12. Jafari, M. T. (1994). *The pursuit of ideas*. Tehran: Islamic Culture Publishing Office. [In Persian]
13. Masoudi, H. (2002). An introduction to the knowledge of the new man. *Howzeh*, 109 & 110, pp. 18-3. [In Persian]
14. Masoumi, M. (2008). *Feminism at a glance*. Qom: Imam Khomeini Educational Research Institute. [In Persian]
15. Moghimi Haji, A. (2007). Current studies and phenomenology of feminism from Imam Khomeini's point of view. *Hozoor*, 61, pp. 69-86. [In Persian]
16. Motahari, M. (1997). *A collection of works by Master Shahid Motahari* (Vol. 1 & 23). Tehran: Sadra. [In Persian]
17. Nasri, A. (2003). *The discourse of modernity*. Tehran: Islamic Culture Publishing Office. [In Persian]
18. Ritzer, G. (2012). *Sociological theory in the contemporary era* (M. Salasi, Trans.). Tehran, Elmi. [In Persian]
19. Sadeghifasai, S. (2005). The challenge of feminism with motherhood. *Women's Strategic Studies*, 28, pp. 19-43. [In Persian]
20. Sadr, Musa. (2000). *The Path of Imam al-Sayyid Moussa al-Sadr* (Vol. 3, Y. Zaher, Ed.). Beirut: Dar Bilal.
21. Sadr, Musa. (2012). *The journey of martyrdom* (M. Farokhian., & A. Nazim, Trans.). Tehran: Imam Musa Sadr. [In Persian]
22. Sadr, Musa. (2015 b). *Nay and Ney* (A. Hojjati Kermani, Trans., 3rd ed.). Tehran: Imam Musa Sadr. [In Persian]
23. Sadr, Musa. (2015). *For Life: Commentary Speeches of Imam Musa Sadr* (M. Farokhian, Trans., 3rd ed.). Tehran: Imam Musa Sadr Cultural Research Institute. [In Persian]
24. Sadr, Musa. (2015). *Hadith of Sahargahan: Commentary speeches of Imam Musa Sadr* (A. R., & M. Mousavinejad, Trans., 3rd ed.). Tehran: Imam Musa Sadr Cultural Research Institute. [In Persian]
25. Sadr, Musa. (2016). *Religions in the Service of Man* (4th ed.). Tehran: Imam Musa Sadr Cultural Research Institute. [In Persian]

26. Sadr, Musa. (2019). *Religion in the world today* (2nd ed.). Tehran: Imam Musa Sadr Cultural Research Institute. [In Persian]
27. Sadr, Musa. (2020 b). *Women and society's challenges* (3rd ed.). Tehran: Imam Musa Sadr Cultural Research Institute. [In Persian]
28. Sadr, Musa. (2020). *What he said: Imam Musa Sadr's narration of his life and thoughts* (M. Farokhian, Trans.). Imam Musa Sadr Cultural Research Institute. [In Persian]
29. Salehi-Amiri, S., & Kavousi, E. (2012). *Culture and management of cultural organizations* (2nd ed.). Tehran: Expediency Analysis Council, Strategic Research Center. [In Persian]
30. Tabatabaei, S. M. H. (1994). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 2, M. B. Mousavi Hamedani, Trans.). Qom: Islamic Publications Office. [In Persian]
31. Zarshenas, Sh. (2004). *Theoretical foundations of the modern West*, Tehran: Ketab Sobh. [In Persian]

